فرید مرجایی:

انتظار توقف غنی‌سازی در ایران، غیرقابل هضم است

در سال ۱۹۶۸ که پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای ان‌پی‌تی توشته می‌شد یک جمله از قانون اساسی آمریکا به زبان انگلیسی در آن گنجانده شد که کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. آن جمله این است که همه کشورهای عضو ان‌پی‌تی حق مسلم (Inalie – able Right) دارند که برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای در اختیار داشته باشند و تبعیض و تبعه‌ای هم در این مورد وجود ندارد. هیچ نکته‌ای در منشور سازمان ملل، مقررات خود آژانس و منشور ان‌پی‌تی نیست که به شورای امنیت اجازه دهد که حق معاهده‌ای (حق غنی‌سازی) یک کشور را پایمال کند

پس از حدود ۵۱ماه وقفه در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ دو طرف رضایت دادند تا در استانبول با دیگر پشت میز مذاکرات بنشینند. این اتفاق به چند دلیل ایجاد شد.

ایران و گروه ۵+۱ در حالی باز دیگر بر انجام مذاکرات رضایت دادند که پس از آن فضای خصومت شدیدی علیه ایران به راه افتاده بود؛ فضای تهاجمی و خصومت‌آمیزی که احتمال حمله نظامی آمریکا/اسرائیل علیه ایران افزایش یافته بود. رصد رسانه‌های آمریکایی بین‌سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که ۱۰درصد پوشش‌ها به‌خصوص نیویورک‌تایمز و واشنگتن‌پست (دوید ایگناتیوس) - دو روزنامه‌ای که رایزنی‌هایی را با کاخ سفید و دستگاه قدرت دارند - نیز از این احتمال خبر می‌دادند. مثلا در نیویورک‌تایمز، دیوید سنگر که دارای نفوذ ارتباطی با کاخ سفید و دولت است در گزارش‌ها و تحلیل‌های سیاسی خود این طور جلوه می‌داد که حمله به ایران عملی خواهد بود یعنی به نوعی او به دنبال آن بود تا این پیام معنوی را بدهد که ایالات متحده آمریکا آماده حمله به ایران است. رسانه‌های اصلی آمریکا و غرب (همچون اسوشیتدپرس، رسانه‌های رویوتر مرداک) که به «جیستم قدرت» گره خورده‌اند، روایت منافقه را واژگون جلوه داده و ایران را متهاجم و جنگ‌طلب معرفی می‌کردند. در همین زمان فضاسازی «طرلن افرز» تریبون رسمی شورای روابط خارجی، شخصی که در زمان جوج بوش نیز در پنتاگون این فضا سازی بود (مانیو کوبرینگ) مقاله‌ای نوشت و گفت ما می‌توانیم به ایران حمله کنیم و اساسا حمله به ایران امکان‌پذیر است. در حال حاضر پنجره‌ای باز شده که قرار هم نیست برای همیشه باز بماند. در مورد این مساله، سیس منافرهای هم در خود دفتر نیویورک شورای روابط خارجی صورت گرفت. یعنی در این سخنان و شدت گرفتن آن، این بحث را در جامعه آمریکا و بین سیاستمداران واقعیتی به وجود آورد که آیا واقعا به کجا دارد به پیش می‌رویم یا خیر.

سرانجام ایجاد این علامت سوال چه بود؟

سرانجام نگوران حافظ (جرج‌بکلین) در حوزه عمومی مجبور به عقب‌نشینی از موضع حمله به ایران شدند. چرا که اساسا در آن زمان جامعه اروپا و آمریکا عدم آمادگی خود را برای ورود به هر نوع حمله نظامی با مشارکت یا آن القا می‌کردند. موضع جدی اکثر سیاستمداران، نظامیان و رسانه‌ها منجر به چرخش نظرات‌شان و تحمیل این دیدگاه شد که واقعا در مردم و نه بخش چشم‌گیر حکومت سیاسی آمریکا به دنبال جنگ نیست.

پس به عقیده شما علت‌ها هم چرا بعد برای ایجاد این گروه ۵+۱ و با پای مرز مذاکرات کشاند جلوگیری از بروز یک جنگ احتمالی بود.

یک دلیلش این بود.

دلیل دیگر چه بود؟

انرژی و قیمت متعادل نفت نقش حساس و مستقیمی در بهبودی وضع اقتصادی دنیا دارد- به عبارت ساده، خرید و خرج کردن یکی، فرامد دیگری است- دیالکتیک تهدید، بحران و هراس از خطر جنگ، تاثیر منفی بر بازار نفت و در نتیجه بر را پس از مذاکرات استانبول و پیش از مذاکرات بغداد شاهد بودیم. سرمایه‌گذاری مالی گرم خورده است. دلیل دیگری که منجر به باز شدن باب مذاکرات هسته‌ای‌ها شد همان موضوعی است که به طور مفصل در رسانه‌های ایرانی و آمریکایی به آن پرداخته شده است و آن برگزاری ارتباطات رایت‌جمهوری آمریکا در ماه نوامبر سال ۲۰۱۲ است. وضع اقتصادی مهم‌ترین موضوع برای مردم آمریکا در انتخابات است. طبیعتا دولت اوباما سعی بر آن دارد که وضع اقتصادی را بهبود بخشد. تحلیل‌گران و تحلیل‌گران متفکر که این سری مذاکرات با ایران، قیمت نفت را قبل از انتخابات آمریکا نزول داد است. در ضمن دولت اوباما با تبلیغات کاذب خودش در زمینه این ادعای مضحک را مطرح کرد که با این مذاکرات (همراه با تشدید تحریم‌ها)، «حمله اسرائیل به ایران را به تاخیر انداخت» گویی آمریکا از اسرائیل حرف‌شنوی دارد.

عملا دو عامل مورد اشاره تنها برای گروه ۵+۱ انگیزه‌ای جهت ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای بود.

دقیقا- دولت اوباما و اساسا دموکرات‌ها در ایالات متحده آمریکا به منظور پیروزی در انتخابات، به دلیل رکود اقتصادی با یک معضل جدی روبه‌رو هستند؛ مخصوصاً که به سلامت خارج شدن از آن منوط به مقابله با هر نوع بحران است که یکی از جدی‌ترین و محتمل‌ترین آن با ایران بود. از نظر آنها در این شرایط حداقل پیامد این بحران، افزایش قیمت نفت و کاهش قیمت دلار و پی آن افزایش قیمت بنزین و ایجاد فقر به بی‌راه‌دهندگان آمریکایی خواهد بود. چندی پیش اوباما در سخنرانی در اجلاس گروه‌ای از رسانه‌های اسرائیلی، ایپک، گفته کرده بود: آنقدر صحبت جنگ با ایران نکنید تا قیمت نفت افزایش پیدا نکند که این به نفع ایران و به ضرر ماست.

با این تفاسیر آیا به همین شرایط بعدی تاکید در مذاکره با ایران به جای کوبیدن بر طبل جنگ نمی‌توانست به پاشنه آشیل اوباما در انتخابات تبدیل شود چرا که میت رامنی رقیب او در حزب جمهوری‌خواه جدی‌ترین انتقادی که نسبت به سیاست خارجی دولت اوباما مطرح می‌کند مصالحه با جمهوری اسلامی ایران است.

بگذارید قضیه را یک مقدار بشکافیم. «رامنی» خودش شخصا آشنایی چندانی با سیاست خارجی ندارد و سرمایه‌دار بزرگ با سرمایه‌های حدود ۲۵۰میلیون دلاری است و پیش از اینکه فرماندار ایالت لیبرال ماساچوست شود، مدیریت یک شرکت خصوصی را برعهده داشت و قبلا به عنوان یک جمهوری‌خواه لیبرال معرفی شده بود. که این خود یا مانعی است (و عقاب) که اکنون خود را متعلق به آن معرفی می‌کند. هم‌خوانی نداشت. انتخاب رامنی به عنوان نامزد حزب جمهوری‌خواه با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. قسمتی محافظه‌کار حزب جمهوری‌خواه ایندا جندان با او همراهی نداشتند و رامنی سرمایه‌دار را از جریان دست راستی نمی‌دانستند. حزب جمهوری‌خواه از زمان ریچارد نیکسون با عمده کردن مناقشات فرهنگی در جامعه، برای سرمایه‌داران (پلوتاکراسی) متحدانی از طبقات پایین‌تر فراهم کرده است. گرچه در نهایت سیاست‌های مالی و اقتصادی آنها به ضرر زحمتکشان است. رامنی به دلیل آمیزه‌ای از این مردم و هواداران حزب جمهوری‌خواه جایگاهی کسب کند و خود را مقبول جلوه دهد، باید تلاش فراوانی از کاسه می‌شد. کسب جایگاه رامنی از طریق ارای مردم سرانجام مورد پذیرش نتوکان‌ها/راست سیاسی و برنت فرهنگی گرایا قرار گرفت. پس از برگزیده شدن به عنوان نامزد جمهوری‌خواهان او برای اینکه بتواند حمایت همه‌جانبه هم‌حزبی‌هایش را داشته باشد چاره‌ای نداشت که خود را کاتولیک‌تر از پاپ نشان دهد؛ مدعی در مسایل سیاست داخلی و هم خارجی. پس از آن، رصد کمپین انتخاباتی رامنی نشان می‌دهد که دانه‌دانه مهره‌های نتوکان چه فردی و چه تیمی به کمپین او اضافه شدند و خطی که او اکنون پی می‌گیرد به دستور و پیشنهاد نتوکان‌هاست. نتوکان‌ها هم که نشان دادهاند ایابی از جنگ ندارند. اما به دلیل اینکه جنگ افغانستان و عراق خاطرات خوبی را نزد افکار عمومی آمریکا به جا نگذاشته است تبلیغات آنها کارساز نشد و با توجه به آنکه بلافاصله اوباما باید پیش از انتخابات به مساله ایران می‌پرداخت، گزینه‌ای که او برگزید با استقبال بیشتری روبه‌رو شد.

اما راهی هم که اوباما برگزید آرزمند روشنی ندارد چراکه مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ در یک فضای متفاوت و غیرمعمول آغاز شد. آنها از یک سو جمهوری اسلامی ایران را دعوت به انجام مذاکرات و از سوی دیگر اهرم فشار را بیش از پیش فعال می‌کردند؛ اهرمی که با تحریم‌های نفت و بانک مرکزی ایران هم از سوی اتحادیه اروپا و هم از سوی آمریکا همراه بود. گروه ۵+۱ در چنین فضایی خواستار مذاکرات شده بود.

سیاست‌ها و دیپلماسی قدرت‌های بزرگ مشخص است. آنها برای آنکه بخواهند حرف و موضع خود را به کشورهای دیگر دیکته کنند قدم به قدم حرکت می‌کنند و گزینه‌های مختلف از جمله اهرم‌فشار را فعال می‌کنند. آنها در مقابل ایران گسترده‌ترین ابزار فشار را به خدمت گرفته‌اند. برخلاف آنچه ایها ادعا می‌کنند تحریم‌ها به حکومت جمهوری اسلامی ایران بلکه مردم را نشانه گرفته است البته هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم.

چرا فکر می‌کنید ادعای آنها غیرواقعی است.

نگاهی به تاریخچه تحریم‌ها علیه ایران نشان می‌دهد که آنها گام به گام چند تحریم‌ها را گسترده‌تر کردند تا شرایط برای کشور را سخت کنند. این همان هدفی است که آنها دنبال می‌کنند. تشدید فشار فلقی»، فشار به اقشار مختلف مردم؛ یا Hor – zontal Escalation» اصل اول «هدسنه امریالیسم» است.

قاعدتا این شرایط مسیر دستیابی به توافقات از طریق گفت‌وگو و مذاکره را چندان هموار نمی‌کند.

قدرت‌های استکباری، سلطه‌گر و هژمونیک، برای اعمال سلطه به اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند» معتقدند. در جنگ ویتنام زمانی که شرایط برای آمریکا بسیار سخت شده بود و نتایج به ضررش رقم می‌خورد این کشور خواستار مذاکره با ویتنام شد این درخواست مورد موافقت قرار گرفت و باب مذاکرات میان آمریکا و ویتنام در پاریس به شکل مخفیانه باز شد. در عین برگزاری دو جلسه مذاکره، به منظور تاثیرگذاری بر فضای مذاکرات، آمریکا، کشور ویتنام و مرز بین ویتنام و کامبوج را زیر آتش شدید بمب‌افکن‌های خود قرار داد. دیپلماسی زور معادلات خاص خودش و اهرم فشار هم ریشه در این معادلات دارد. تلاش برای کاهش قیمت نفت با به خدمت گرفتن بعضی دولت‌های عرب منطقه و اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران جزو ابزارهای سلطه و دیپلماسی فشار و زور محسوب می‌شوند. نمونه دیگری از این دیپلماسی زور را پس از مذاکرات استانبول و پیش از مذاکرات بغداد شاهد بودیم. آنجا که اسرایل تاکید داشت اکنون تحریم‌ها علیه ایران موثر است و احتیاجی به ادامه مذاکرات نیست. این سخنان یقینا با قصد و نیت بحران‌سازی بیان می‌شد تا شرایط را برای ایران سخت‌تر کند.

بنابراین با این رویکرد، گروه ۵+۱ به دنبال آن بود تا در این مذاکرات جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش در موضع ضعف قرار دهد.

قدرت‌های سلطه‌گر و هژمونیک همواره در تضاد با حقانیت قانونی، از روابط اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی و استراتژیک خود به عنوان اهرم به دیگران اعمال فشار و سلطه می‌کنند. به هر حال ایران با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است و گسترده‌تر شدن دایره تحریم‌ها شرایط را سخت می‌کند. هدف آنها هم همین است تا از این طریق قدرت چانه‌زنی ایران را تا حدودی کاهش دهند. اما این را هم باید در نظر داشت که به اینجا بحران از طریق اعمال تحریم‌ها می‌تواند برگردد یا به دنبال داشته باشد که این بازخوردها ممکن است متوجه اروپا و آمریکا شود. اروپا در حال حاضر یک شرایط اقتصادی بسیار رشد کننده‌ای را در آمار مستند و رسمی حکایت از آن دارد که رشد اقتصادی کشورهای توظهور، همچون هند، چین، ترکیه و برزیل چهار، پنج‌درصد برای آمریکا دوونیم‌درصد و برای اروپا خیلی کمتر است. اقتصاددان‌ها چشم‌انداز روشنی هم برای اتحادیه اروپا متصور نیستند و اگر این وضعیت تا دو سال آینده ادامه پیدا کند و روز به روز به شمار کشورهای ورشکسته اضافه شود (یونان، پرتغال، ایرلند، اسپانیا و ایتالیا)، بحران اقتصادی تازه نوسازی شده آمریکا می‌تواند از اتحایه اروپا تاثیر بگیرد. بنابراین اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها هم چندان علاقه‌مند به ایجاد بحران در جبهه‌های مختلف از جمله در ایران نیستند. بخلاو معمول، بازگشت رونق اقتصادی تا حدودی مدیون روان‌شناسی بازار و رفع نگرانی‌ها و بحران‌هاست.

پس با توجه به آنکه هم جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اروپایی و آمریکایی هر کدام دلایل خاص به خود را برای دست‌یابی به توافقات در این مذاکرات داشتند، می‌توان گفت دو طرف با موضعی برابر در پشت میز مذاکره نشستند.

نه- خیلی هم برابر نبود. موضع حقانی و قانونی ایران جنبه قدرت معنوی دارد. که در شرایط نابرابر و غیرموکراتیک دنیا به اهرم تبدیل نمی‌شود. به هر حال شرایط برای ایران با اعمال تحریم‌های شدید و همچنین به مراتب سخت‌تر است خطری هم که تحریم‌ها علیه ایران برای غرب دارد تنها ایجاد فضای روانی در بازار است.

با وجود همین شرایط سخت در نشست «استانبول» دوطرف توانستند به شرایط بینابینی دست پیدا کنند؛ توافقی که افق بیش روی مذاکرات را تا حدودی روشن کرده بود.

مذاکرات «استانبول» با وجود آنکه خیلی خوب شروع نشد اما خیلی خوب پیش رفت و دو طرف توانستند به یک توافق بر سر تلاش برای تعیین چارچوب گفت‌وگوها و یکسری اصول کلی دست پیدا کنند. در این نشست نه جمهوری اسلامی ایران و نه گروه ۵+۱ وارد جزییات اینچوها و مادده‌ها نشدند و فقط روی اصول توافق کردند؛ اصولی که به منظور زمینه‌سازی و تداوم مذاکرات مثبت و سازنده بود. همچنین توافق دیگری حاصل شد و امید را در این مذاکرات زنده کرد و بر نوعی اعتمادسازی دوجوبه استوار بود. کلیات حرکت در مسیر دستیابی به یک توافق هم بر مبنای طرح گام به گام، انعطاف موضع دو طرف متناسب با یکدیگر و کل مذاکرات در چارچوب ان‌پی‌تی باشد. اما توافقات استانبول چندان دوامی نداشت چراکه در پایان این نشست عامل فشارهای اسرایل به آمریکا برای سنگ‌اندازی در مسیر این توافقات آغاز شد و آمریکا هم با تاسی از اسرایل بر گروه ۵+۱ فشار آورد تا روند مذاکرات را تغییر دهد.

گروه ۵+۱ مگر از استقلال کامل برای انجام مذاکره و توافق با ایران برخوردار نیست؟

خیر. بررسی مذاکرات هسته‌ای ایران در سال‌های گذشته حکایت از عدم استقلال گروه ۵+۱ دارد. غربی‌ها در مقاطع مختلف نشان دادهاند که به تعهدات خود پایبند نبوده‌اند. حسین موسویان نیز در کتاب اخیر خود خاطرنشان می‌کند که یکی از چالش‌های تیم مذاکره ایران این بود که این گروه غربی هیچ استقلالی از آمریکا نداشت. در سال ۲۰۰۳ سه کشور اروپایی (EU-3) از ایران خواستار «بازگشت گارانتی» شدند. ایران از آنها خواست که این «بازگشت گارانتی» را تعریف کنند که آیا در چارچوب الحاقی است یا ان‌پی‌تی یا بارزسی؟ برای مدت یکسال آنها نمی‌توانستند تعریفی برای ایران ارایه دهند که کار پیش برود. در این اواخر نیز به طور مثال در ۲۰۱۰ با وجود آنکه با چراغ سبز غرب، جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را برای تبادل سوخت کمتر غنی‌شده به منظور تامین ایزوتیوم ۲۰درصد موردنظر راکتور تحقیقاتی تهران اعلام کرده بود، گروه ۵+۱ بین حاضر شدند به توافقنامه تهران میان سه کشور برزیل، ترکیه و ایران پایبند باشد. این یکی از نمونه‌ها از عدم استقلال و پایبندی غربی‌ها به تعهدات‌شان در قبال ایران پیرامون موضوع هسته‌ای است.

بعد از آن، در فوریه ۲۰۱۰ آقای صالحی، در زمان ریاست انرژی هسته‌ای، به ۵+۱ پیشنهاد داد که ایران تا پایین‌تر از پنج‌درصد غنی‌سازی کند و آنها میله‌های سوخت را به دلیل نیازهای مختلف به ایران تحویل بدهند. این پیشنهاد مورد قبول آنها قرار نگرفت. در سپتامبر ۲۰۱۱ باز دولت ایران درخواست میله‌های سوخت برای مرکز تحقیقاتی دانشگاه تهران برای بیماران کرد. که ترتیب اثر داده شد (غنی‌سازی و ایزوتوپ برای تشعشع و درمان شیمیایی دو نوع است؛ یکی درآزمدت و دیگری کوتاه‌مدت. ۲۳ روز کـه ذخیره نمی‌تواند بشود و بهطور دایم درست نمی‌کنند، بلکه با توجه به نیازهای کشور و بیمارستان‌ها تولید می‌شود. پس با توجه به نیازی باید فراهم شود). سپس پکیج پیشنهادی روسیه مطرح شد. که با وجود آمادگی ایران برای همکاری، با مخالفت غرب روبه‌رو شد.

همکاری با آژانس قرار نیست یک‌طرفه باشد، این روابط فقط محدود به تعهد و مسوولیت از طرف عضو نیست، بلکه کشورهای عضو در کنار آن تعهدات، حقوقی هم دارند و این وظیفه آژانس است که در کنار بازرسی، به کشورها و ایران کمک‌های فنی و تکنیکی هم برساند. به عنوان مثال دیگر، همان‌طور که «هارک هیبز» در مقاله‌ای منتشر کرده است، آمریکا در سال ۱۹۸۳ از کمک آژانس به ایران برای تولید گاز UF-6 (اورانیوم هگزا فلورید) جلوگیری کرد. با وجود این تخریب‌ها و عدم همکاری، کشور ایران از عضویت در آژانس و ان‌پی‌تی خارج نشده است.

بنابراین شما معتقد به که این اعمال فشارهای اسرایل بود که منجر به تغییر رویکرد گروه ۵+۱ و افزایش سطح مطالبات آنها از ایران شد.

در اوریل (بهار)، پس از انجام مذاکرات استانبول و پیش از آغاز مذاکرات بغداد، کنگره آمریکا کـه قبلا اثبات کرده است نفوذ اسرایل است قطعنامه‌ای را که گویا توسط لابی «ایپک» تهیه شده بود به تصویب رساند که براساس آن هرگونه راهبرد دیپلماتیک در قبال ایران و برنامه هسـته‌ای آن را رد کرد و تنها گزینه موجود را اقدام نظامی توصیف کردند. براساس این قطعنامه، «هیجلس نماینده‌گان آمریکا از رییس‌جمهور درخواست کردند تا غیرقابل قبول بودن ایران با قابلیت تسلیحات هسته‌ای را مورد تاکید قرار داده و همچنین مطرح شده است و گسترده‌تر شدن دایره سیاسـی که بـر رویکرد مهار بـه عنوان یک گزینـه در قبال ایـران تاکید می‌کند، اعلام کند.» ایـن قطعنامه به صراحت از ایران به عنوان یک تهدیـد نام برد. ما علامت‌های زیادی از این چرخش می‌بینیم تا دست اوباما از برای مذاکره با ایران ببندند. ایـن اقدام کنگره آمریکا یکی از آن علامت‌هاسـت که منجر به چرخش موضع گروه ۵+۱ در ادامه مذاکرات با ایران شد. پـس از قطعنامـه کنگره آمریکا، پیش از برگـزاری دور دوم مذاکرات هسـته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در نشست بغداد، موضع آمریکا عملا به موضع اسرایل تغییر پیدا کرد. به طوری که اگرچه در نشست استانبول موضع آمریکا و دولت اوباما این بود که هیچ نشانه‌ای از تسلیحات نظامی در برنامه هسته‌ای ایران نباشد اما این موضع تا چرخش ۱۸۰درجه‌ای به همان موضع اسرایل تبدیل شد که اساسا جمهوری اسلامی ایران نباید هیچ توانایی هسته‌ای را داشته باشد و غنی‌سازی در هر سطح و مقیاسی در ایران متوقف شود که این کاملا برخلاف پیمان ان‌پی‌تی است. به عبارت دیگر همه کشورهای عضو، حق غنی‌سازی داشته و فقط نسبت به کشور ایران تبعیض اعمال شود.

یعنی شما معتقدید پس از استانبول درخواست گروه ۵+۱ از جمهوری اسلامی ایران از توقف غنی‌سازی در قبالش ۲۰درصد فراتر رفت؟

بله، حتی فراتر از آنچه که انتظار می‌رفت. نماینده آمریکا خانم وندی شرمن بعد از جلسه بغداد برای گزارش به واشنگتن نرفت، بلکه مستقیم به اسرایل رفت. یک شرایط عجیب و غریبی شکل گرفت. برای درخواسـت‌های آنها از توقف غنی‌سازی در مقیاس ۲۰درصد به توقف غنی‌سـازی در همه ابعاد و پیامدها، خروج ذخایر اورانیوم غنی‌شده در ایران، بررسی (Possible) P. M. D. (Military Dimension) امضـای پروتـکل الحاقی، افزایش روند شفاف‌سازی، تعطیلی پایگاه فردو و حتی موارد دیگر. یکی از پیامدهای آن این بود که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. آن جمله این اسـت که همه کشـورهای عضو ان‌پی‌تی حق مسلم غنی‌سازی در مقیاس صلح‌آمیز (Inalienable Right) دارند که برنامه صلح‌آمیز هسـته‌ای در اختیار داشته باشند و تبعیض و تبعه‌ای‌هم در این مورد وجود ندارد. هیچ نکته‌ای و موردی در منشـور سـازمان ملل، مقررات خود آژانس و منشور ان‌پی‌تی نیسـت که به شورای امنیت اجازه دهد که حق معاهده ان‌پی‌تی (حق غنی‌سـازی) یک کشـور را پایمال کند.

بنابراین ساکت جمهوری اسلامی در مذاکرات بغداد و مسـکو و به رسمیت شناختن حق غنی‌سـازی در ایران از یک سو و راستای زیر سوال بردن تحریم‌های شورای امنیت سـازمان ملل متحد که تاکید دارد ایران باید غنی‌سـازی را متوقف کند بود و از سـوی دیگر به منظور طلب حقی که بر مبنای ان‌پی‌تی همچون سایر کشورهای عضو از آن برخوردار است.

عکس‌ها: مهدی حسنی شیری

مجتبی فتحی: ساکن آمریکاست و منتقد آمریکا؛ یک منتقد عدی و سرسخت. آنقدر کـه در هنگام بیان انتقاداتش لحنش تغییر می‌کند و چهره‌اش بارفروخته می‌شـود. انتقادش هم نسـبت به نگاه و رویکرد تبعیض‌آمیز ایـالات متحده آمریکا در عرصه بین‌المللی است؛ نگاهی که معتقد اسـت، بخشی از آن در پرونده هسـته‌ای ایران متبلور شده است. «فرید مرجایی» فرسنگ‌ها از ایران دور افتاده اما هنوز ریشه در این آب و خاک دارد؛ محکم و نااسـتثنـی. مگر می‌شـود فردی از خانواده «محمد نخشـب»، از پایه‌گذاران «نهضت خدایرستان سوسیالیسـت» و جزو هشته اولیه تشکیل‌دهنده نهضت مقاومت ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد، از ایران دور شـود و ایران را فراموش کند. فردی که هویت و چارچوب فکری‌اش در میراث نهضت ملی دکتر محمد مصدق شکل گرفته است. با این حال تعصبش دست بر برابر اتفاقاتش می‌کند و چرخش کاستی‌ها نشـده است. عضو پیشـین حزب سـوسیال دموکرات کانادا، چند سالی است که به

به دلیـل منطقـی نبودن، سیسـتماتیک و شـفاف نبـودن و ظاهرسـازی، مواضع غرب، در مدیریت جریان برنامه‌ها و مذاکرات گاهی دچار تضادهای عینی می‌شـود. همان‌طور که به توافق تهـران، بین ایران برزیل و ترکیـه ناگهان بـهطـور غیرمترقبه پشـت پا زدنـد. فراموش نکنیم که دولت لولا دلسیلوا برزیل از این جریان صحنه‌سـازی ناراحت شد. هنگام بازدید اوباما از برزیل در زمان ریاسـت دیلما روسـف، لولا در ضیافـت خصوصی خود پیدا نکرد و مطبوعات برزیـل نیز آن را به بحث گذاشتند.

با در مذاکرات استانبول اتفاقی کـه افتاد یـه نوعی منجر بـه بروز امیدواری‌ها نسبت به سرانجام این مذاکرات شـد. حضور ایران و گروه ۵+۱ بـا رویکـرد جدید و سـازنده بود؛ رویکردی که در آن بسته‌های پیشـنهادی طرفین کـه مذاکرات پیشـین را به بن‌بسـت کشـیده بود در آن جایی نداشـت. اما در بغداد برخلاف آنچه از قبل تعیین شـده بود بسته‌های پیشنهادی روی میز مذاکرات قرار گرفت و مذاکره برای تعیین چارچـوب گفت‌وگوها عملا متوقف شـد. فکر نمی‌کنید اساسا پـس از یـک دور مذاکـره ورود به جزییـات از سـوی دو طرف خیلی زودهنگام بود؟

این ورود به جزییات به زمان‌سنجی از سوی هر دو طرف بستگی داشت. به هر حال شرایط جهانی را نمی‌شود به حال خودش رها کرد. شـرایط جهانی لحظه به لحظه بـا ضربالاجل‌های متفاوت روبه‌رو اسـت. اکنون تابستان اسـت. فصل که به پایان برسد، فصل برگزاری انتخابات رییسـاجمهوری آمریکا فرا می‌رسد. ایران هم‌اکنون با اعمال تحریم‌های متفـاوت روبه‌رو مقـررات خود آژانـس، زمانی پرونده یک کشـوری می‌تواند به شـورای امنیت ارسـال شـود که اورانیومی در آن کشور از حد بازرسـان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نایدید شود. با این حال آژانس همواره تاکید کرده است در مورد ایران این اتفاق نیفتاده اسـت.

کشـورهای غربی قسـمت عمدی مفقود شـدن اورانیوم در ایران شـده‌اند و بیشتر مدعی انحراف در تسلیحات هسـته‌ای و سوق پیدا کردن آن به سمت اهداف نظامی هستند.

این ادعا هم به هیچوجه واقعیت ندارد. همان زمان که پرونده هسـته‌ای ایران به شـورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع شد آژانـس بین‌المللی انرژی اتمـی در گزارش‌های خـود بارها بر بسیاری که نشان‌دهنده وجود انحراف در برنامه هسـته‌ای برخی کشورهای عضو پیمان ان‌پی‌تی بوده، به دسـت آورده بود. اما هیچ‌گاه آن گزارشات را علنی نمی‌کند. در سال‌های گذشته آژانـس بین‌المللی انـرژی اتمی، در کره‌جنوبـی و در مصـر رگه‌هایی از غنی‌سازی در مقیاس بسیار بالا کشف کرده بود اما هیچ‌گاه تخلفات سهوی یا عمدی آنها علنی نشـد — یا به شورای امنیت ارجاع نشد.

پیـس رویکـرد غـرب و حتـی نهادهای بین‌المللی هجوین آژانس با برنامه هسـته‌ای ایران بیش از آنکه فنی باشد، سیاسی است.

بلـه. سیاسـی و بـه نوعـی خیمه‌شـب‌بازی؛ به گونه‌ای که عدای بشـت هدایت عوریـک‌های خیمه‌شـب‌بازی روی صحنه منافقـه هسـته‌ای ایـران را هدایت می‌کنند. یکی از همین عوریک‌ها یوکیا امانو مدیرکل فعلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اسـت. چندی پیـش روزنامه گاردین برخی از اسـناد منتشر شده توسط ویکی‌لیکس را باز نشر داد که در آن اشـاره شده بود امانو با توصیه آمریکا به این سـمت برگزیده شد و پس از آن حمایت خـود را از اهداف استراتژیک آمریکا، به‌ویژه پرونده برنامه هسـته‌ای ایران اعلام کرده است.

غـرب و به‌خصوص آمریکا چه اهدافی را در رویکرد سیاسی خود در قبال برنامه هسته‌ای ایران دنبال می‌کنند.

عمده هدف ایالات متحده آمریکا (به عنوان هم‌پیمان و مجری اهداف اسـرایل) شـکل دادن و کنتـرل تغییرات در مناسـبات منطقه اسـت. اینها به دنبـال هژمونـی در منطقه خاورمیانـه هسـتند. ایـالات متحده برنامه‌های فراوانـدت برای خاورمیانه داشت. مسائه منافقـه با ایران عینی و فوری اسـت. ولی «بهار عرب» آبستن تغییرات اسـاسی دراز مدت در منطقه اسـت. آمریکا و متحدان غربی‌اش در صدد کنترل جهـت و جریع تغییرات هسـتند. ولی در این اگـر به اهداف خود دسـت پیدا نکنند بازهـم دایره تحریم‌ها را افزایش می‌دهند و فشـارها را زیاد می‌کنند تا شاید به تغییر مورد نظر از درون دست پیدا کنند.

پس اگر آنها چنین اهدافی را دنبال می‌کنند، چرا رامی به مذاکره و گفت‌وگو با ایران می‌شوند؟

این هم ابزاری دیگر در راسـتای تامین اهداف مورد نظرشان اسـت تا در دل مذاکرات، ایران را وادار به تسـلیم کنند تا همه شـرایط مورد نظرشـان مورد پذیرش قرار گیرد؛ یعنی همه آن شـرایطی که در مذاکرات «بغداد» و «مسکو» مطرح شد. یا به جامعه جهانی و به افکار عمومی که از جزییات خبر ندارند، وانمود کنند که مذاکره کردیم و چون بی‌نتیجه ماند، تحریم‌ها را گسـترده‌تر تحمیل می‌کنیم. بنا به مقاله نیویورک تایمز، یکم ژوئن امسال، در همان زمانی که آقای اوباما با «دست باز» پیام نوروزی به ایران می‌داد، در پشت پرده دستور حمله سایبری به ایران – معروف به «فلیم» - را صادر کرده بود.

کدام شرایط؟

شرایطی که گروه ۵+۱ در فالب بسـته پیشـنهادی اعمال کرد. همچون توقف غنی‌سازی ۲۰درصد، توقف کامل غنی‌سازی در یک‌مدت مشخص، تعطیلی سایت فردو، خروج اورانیوم‌های غنی شـده در ایران و... که ایران قبـول می‌کرد، ولی غرب دو خواسـته حداقلی ایران را نادیده گرفت، رفتار و مواضع غیرقابل دفاعی که عملا مذاکرات در بغداد و مسکو را بدون نتیجه گذاشت.

طرف مقابل هم مدعی اسـت که بسـته پیشنهادی ایران مانع از دسـتیابی به یک توافق جدی شد.

موضع ایران در این مذاکرات بسـیار میزان، قابل دفاع و قابل توجه بود؛ به طوری که من این بسـته پیشـنهادی ایران و درخواسـت‌هایی را که شـده در آن از گروه ۵+۱ خیلی خوب تنظیم شده بود. به نظر خیلی از تحلیل‌گران درخواسـت‌های کاملا منطقی و متعادل بود. از نظر حقوقی عقلایی و قابل بحث و قابل دفاع بود. برای همین هم بود که به نظر می‌رسید هیات مذاکره‌کننده ایران با اعتماد به نفس بیشتری در مذاکرات حضور پیدا می‌کرد، چون تقاضاهایی داشت که عملی، منطقی و قانونی بود.

آیا این بار این تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران و اختلافات مورد مناقشه دو طرف بود که رویکرد هیات مذاکره‌کننده را سازنده‌تر از قبل نشان می‌داد؟

بـه نظـر مـن در مذاکـرات «غیـداد» و «مسـکو» هیات مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی ایران کمتر وارد مباحث سـیاسی شـد و بیشـتر تمرکز خود را روی اثبات حقانیت ایران برای در اختیار داشتن برنامه هسـته‌ای صلح‌آمیز گذاشته بود. مباحث هم که خیلی دقیق و خوب ارایه شده است. مباحثی نشسـته و رفته، متعادل، بدون پرداختن به حاشـیه‌ها، قابل رویت و قابل هضم، پراگماتیک و قابل اجرا

حسین موسویان عضو پیشـین هیات مذاکره‌کننده هسـته‌ای جمهوری اسـلامی که در حال حاضر در انسـتیتو ویلسون در دانشـگاه پرینسـتون مشـغول به تحقیقات و فرصت مطالعاتی است و گفت‌وگوی پیشین در روشن‌سازی مساله هسته‌ای ایران غنیمتی شده اسـت و سعی دارد که این موضوع را به خوبی برای رسـانه‌های آمریکایی تشـریح کند. البته رسـانه‌ها طبق معمول سـعی بر پیچاندن مسـاله دارند. او پیش از آغاز مذاکرات معـوق در گفت‌وگوی خبلی صریح و صریح‌تر مسـئله را به افشـاگری هسـته‌ای به نوع ثالثه تبعیض‌آمیز غرب به برنامه هسـته‌ای ایران کرد. او در گفت‌وگوی تاکید کرد که پیام من مو به خاتم اشـتون در مذاکرات این است: «شما حق ندارید و نمی‌توانید حق غنی‌سازی کشوری همچون ایران که عضو پیمان ان‌پی‌تی اسـت؛ پیمانی که بر حق غنی‌سازی همه کشورهای عضو تاکید دارد، را نداشته باشید و مانع از در اختیار داشتن چرخه کامل سوخت هسـته‌ای توسط ایران شـوید». وقتا نگاه تبعیض‌آمیزی که به ایـران وجود دارد واقعا مضحک! تراژیک اسـت. این نگاه در حالی وجود دارد که اسرایل اسـاسا این پیمان را حتی امضا نکرده است و اصلا حتی نشـده است تعهد خود نسبت به ممانعت از گسـترش تسـلیحات هسـته‌ای را عمل کند. به هیچ نظارت و بازرسی هم تن نمی‌دهد و هیچ‌کسی هم نیسـت آن را استنتاق کند. با در مقابل بسـیاری از کشورهای عضو ان‌پی‌تی غـیرآن‌شـان در اختیار دارند اما ممانعتی در ادامه فعالیت‌هایشان ایجاد نمی‌شود.

**به استناد کتابی که اخیرا آقای حسن روحانی دبی